



صفحه ۳ ضمیمه نوجوان روزنامه

www.qudsonline.ir

پنجشنبه ۱۷ دیهشت ۱۳۹۶ | ۲۹ رجب ۱۴۳۸ | ۲۷ آوریل ۲۰۱۷

خدیده (سایه بان خورنتید



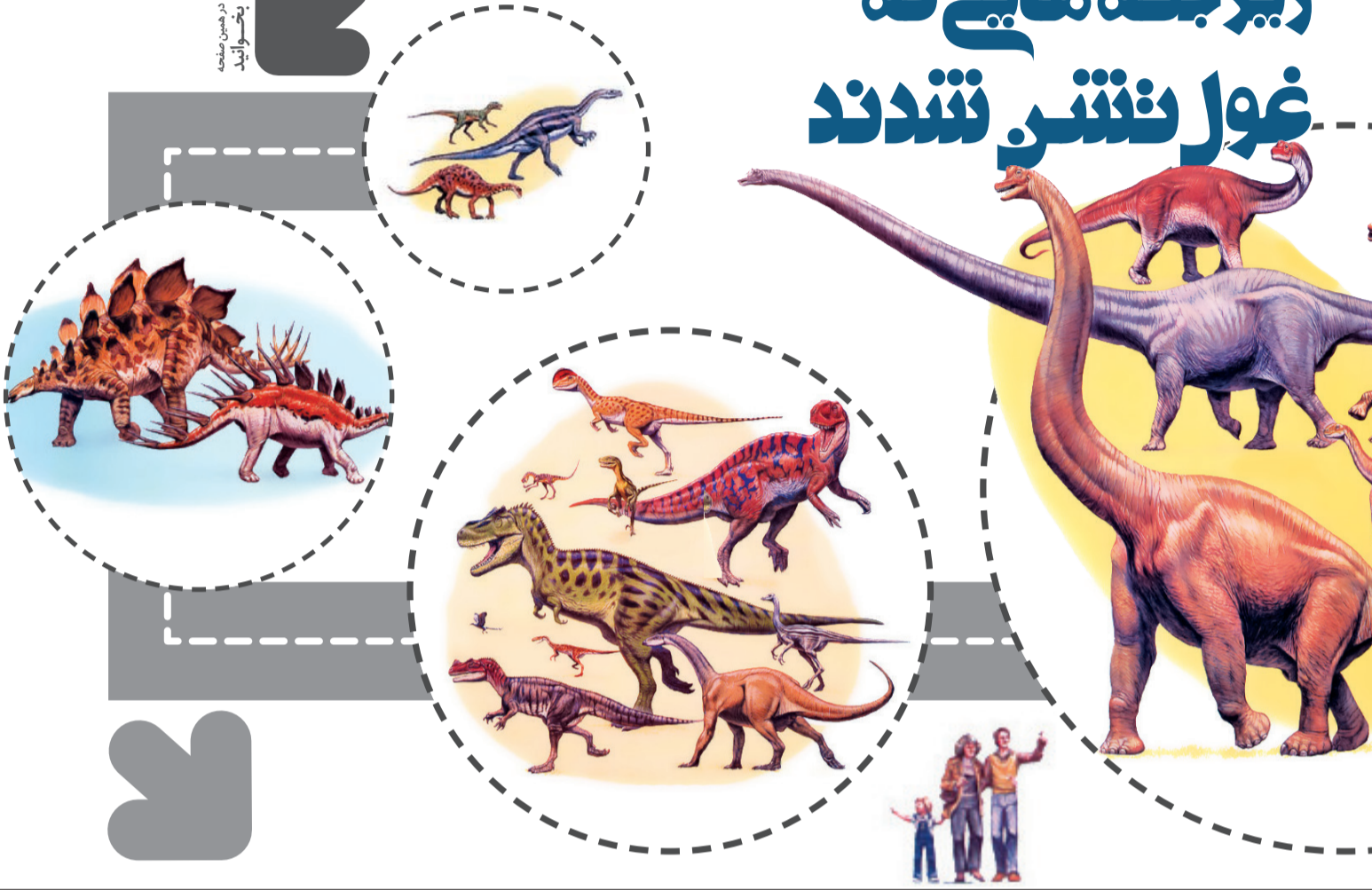
امیرحسین وزیر

تاریخ را که نگاه می کنیم، هرچا مرد بزرگی قدم بر خاک گذاشته، ردیای معطر زن نجیب و دانایی در سرنوشت او پیداست؛ یعنی نمی شود درباره حضرت موسی(ع) سخن گفت، اما ایدای از تربیت آسیه(س) نکرد، یا از حضرت مسیح(ع) حرف زد، اما نقش مادرانه حضرت مریم(س) را در حمایت و رشد مسیح نادیده گرفت و در زندگی رسول خدا(ص) هم وجود حضرت خدیجه(س) یکی از موهبت های الهی در حق ایشان بوده که کمتر از زنان دیگر به آن توجه شده است. اتفاقاً یکی از دلایل پنهان ماندن خصوصیات و بزرگی حضرت خدیجه(س) این است که او همسر خورشید تابانی چون پیامبر(ص) و مادر و مربی حضرت فاطمه(س) است و به قدری این دو خورشید، تابنده و درخشانند که سایه بان

آن ها از چشمها پنهان مانده است. اما برای یک نوجوان مسلمان چه چیزهایی در وجود این بانوی مقدس بوده که حرف زدن درباره آن می تواند درهای جدیدی را برای زندگی بهتر به روی ما باز کند؟ همه تاریخ نویسندگان درباره دانش و توان مدیریتی حضرت خدیجه(س) اتفاق نظر دارند و معتقدند که این بانوی بزرگ، در عصر جاهلیت یکی از فعال ترین مدیران تجاری شبه جزیره عربستان بوده و این در حالی است که هنوز در بسیاری از کشورهای به ظاهر مسلمان امروز، فعالیت اقتصادی و اجتماعی زن محدود است. این که پیامبر اسلام اولین دعوت به اسلام را در خانه خود به جا آورد و همسرش اولین زن مسلمان تاریخ بود، برای هر دختر نوجوان و جوان ایرانی درس بزرگی است. اگر گذرتان به سایتها، کانالها و منابع مربوط به همسران و مادران موفق افتاده باشد، حتماً خواهید دید که خوشبختی و موفقیت مرد به باور داشتن همسرش بستگی دارد. اغراق نیست اگر بگوییم بزرگ ترین درس زندگی حضرت خدیجه(س)، رسم خوب همسر داری از طریق باور داشتن و حمایت از آرمانهای همسر گرامی اش بوده است؛ درسی که همسران فردا باید آن را بارها و بارها مشق کنند.

تحقیقات جدید نشان می دهد دایناسورها با پاهای مرور زمان غول پیکر شده اند

ریز جثه هایی که غول نتندرتندند



تصور کنید

در طول یکی دو هفته اخیر، سه بازیکن نام آشنای فوتبال ایران از مستطیل سبز خداحافظی کردند

خداحافظ همین حالا...

در بسته خبری بخواهید

نه به تبلیغات کاغذی

سفر با تاکسی هوایی

کمک کرم پیله ساز به محیط زیست

عتیقه ها را بگیر...

تحقیقات جدید نشان می دهد دایناسورها با پاهای مرور زمان غول پیکر شده اند

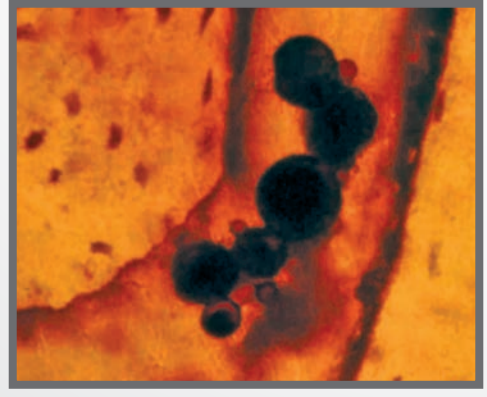
ریز جثه هایی که غول تشن شدند

ملیحه محمودخواه | دنیای دایناسورها پر از راز و رمز نگشوده است و هنوز خیلی از واقعیت هایی که در مورد آن ها وجود داشته، به صورت معما باقی مانده و هنوز راز و رمز آن ها کشف نشده است. این موجودات بزرگ و غول پیکر میلیون ها سال در زمین حکمرانی می کردند و حالا قسمت های زیادی از زندگی آن ها به صورت معمایی حل نشده باقی مانده است. هیچ کس نمی داند که این موجودات وحشتناک کی به وجود آمدند و حتی نابود شدن و منقرض شدن شان نیز کاملاً مشخص نیست و هر دانشمندی برای خودش نظریه ای می دهد.



خونگرم یا خونسرد

اما یک ماجرای دیگر که خیلی در مورد دایناسورها مطرح است این است که دایناسورها خونسرد بوده اند یا خونگرم؟ دانشمندان گذشته می گفتند این حیوانات مدام به جان هم می افتادند و قصد داشتند همدیگر را نابود کنند، اما بررسی های جدید دانشمندان نشان می دهد که دایناسورها به مراتب فعال تر و باهوش تر از آن چیزی بوده اند که ما تصور می کنیم. این گروه از دانشمندان می گویند این حیوانات خونگرم بوده اند و دمای بدنشان ثابت بوده است و می توانستند از طریق سوخت و ساز بدنشان آن را به طرز کاملاً هوشمندانه ای کنترل کنند. البته این ها را از روی فسیل ها حدس می زنند و هنوز هم نمی دانند واقعیت ماجرا چیست.

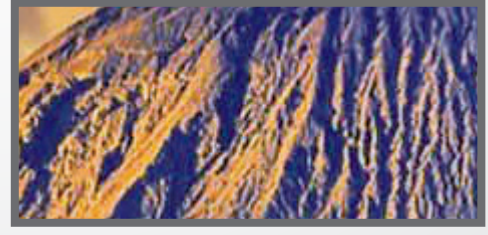


مهاجرت دایناسورها

می گویند اولین دایناسورها در کنار دریاچه ای در لهستان امروزی زندگی می کردند؛ منظورمان همان «دینوسارمورفیس ها» هستند. یعنی حدود ۲۵۰ میلیون سال پیش آن ها برای خودشان آنجا زندگی می کردند و کنار دریاچه حمام آفتاب می گرفتند. اما همین حیوانات کم کم بزرگ شدند و شدند همان دایناسورهایی که ما می شناسیم. اما یک اتفاق بزرگ باعث شد آن ها تغییر شکل پیدا کنند و آن هم فوران آتش فشان های بزرگ بر روی کره زمین بود.

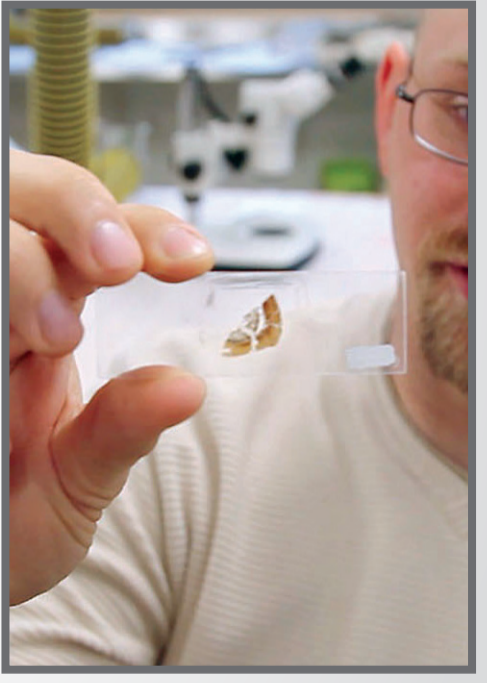
فوران آتش فشان و تغییر دایناسورها

کسانی که این نظریه ها را مطرح می کنند، می گویند دویلیون سال بعد از فوران های عظیم آتش فشانی که همه چیز را در زمین نابود کرد و تقریباً ۹۵ درصد از موجودات و گیاهانی که روی زمین زندگی می کردند از بین رفتند، این ریزدایناسورها همان طور باقی ماندند و چندوقتی روی زمین زندگی کردند، اما وقتی این آتش فشان ها تمام شد و آرامش به زمین برگشت، کم کم دایناسورها هم بزرگ تر شدند. اما نکته ای که اینجا مطرح است این است که اسکلت اولین دایناسورهای بزرگ در برزیل و آرژانتین پیدا شده و خیلی ها می گویند شاید این دایناسورها مجبور شدند شنا کنند و همین حرکت های طولانی در داخل آب باعث شده آن ها اندام ها و عضله هایشان کم کم تغییر کنند. اما چیزی که مثل روز روشن است این است که ده ها میلیون سال طول کشید تا نخستین دایناسورها در سراسر زمین پخش شده، بزرگ شوند و به ابعاد غول پیکر برسند.



دایناسورهای به قد گربه

اما پرونده ای که به تازگی در مورد این موجودات باز شده، خیلی جالب است. تا مدت ها همه فکر می کردند که این جانوران بداخلاق و وحشی از اول همین طور بزرگ و غول پیکر بوده اند و بچه هایشان هم مثل خودشان بچه غول بوده اند، اما بررسی های اخیر نشان داده که دایناسورها اصلاً این قدری نبوده اند و طی فرایندی این قدر بزرگ شده اند.



کم کم رشد کردند

اگر شما هم سوار ماشین زمان شوید و به میلیون ها سال قبل برگردید، به جانوران کوچکی قد گربه برمی خورید که به آن ها «دینوسارومورفیس» می گفتند. این ها همان اجداد دایناسورها هستند که کم کم بزرگ شدند و به جانورانی غول پیکر با گردن های دراز تبدیل گردیدند.

مع لوبند اولین دایناسورها در کنار دریاچه در لهستان امروزی زندگی می کردند؛ منظورمان همان «دینوسارمورفیس ها» هستند. یعنی حدود ۲۵۰ میلیون سال پیش آن ها برای خودشان آنجا زندگی می کردند و کنار دریاچه حمام آفتاب می گرفتند.

رنگ دایناسورها

رنگ دایناسورها هم از آن چیزهایی است که هنوز معمای آن حل نشده است. بدن برخی از این دایناسورها پوشیده از پر بوده و می توانستند پرواز کنند. اگر پرها این جانور غول پیکر را با میکروسکوپ نگاه کنید، دانه های ریزی به نام ملانوسوم می بینید که رنگ پر این دایناسورها را تشکیل می داده. ملانوسومها ساختارهای متفاوتی دارند و از روی آن دانشمندان می توانند رنگ این دایناسورها را تشخیص دهند. اما چیزی که از روی رنگدانه های این غول بیابانی ها پیدا شده است این است که آن ها قرمز یا بنفش نبوده اند، هر چند که حلقه های رنگی در ته دمشان وجود داشته است.



اما یک ماجرای دیگر که خیلی در مورد دایناسورها مطرح است این است که دایناسورها خونسرد بوده اند یا خونگرم؟ دانشمندان گذشته می گفتند این حیوانات مدام به جان هم می افتادند و قصد داشتند همدیگر را نابود کنند، اما بررسی های جدید دانشمندان نشان می دهد که دایناسورها به مراتب فعال تر و باهوش تر از آن چیزی بوده اند که ما تصور می کنیم. این گروه از دانشمندان می گویند این حیوانات خونگرم بوده اند و دمای بدنشان ثابت بوده است و می توانستند از طریق سوخت و ساز بدنشان آن را به طرز کاملاً هوشمندانه ای کنترل کنند. البته این ها را از روی فسیل ها حدس می زنند و هنوز هم نمی دانند واقعیت ماجرا چیست.



در طول یکی دو هفته اخیر، سه بازیکن نام آشنا

خدا حافظ

علیرضا گرانبایه | این خداحافظی با دیگر خداحافظی برای بازیکنان سطح اول فوتبال خداحافظی با لنز دوربین طرفداران و نشان داده هیچ تعهد و توجهی کارشناس در برنامه‌های تهرانهانی، «رضاعنا» هفته گذشت

این هفته بازیکن

سبد خرید قرمزها

نیچا پرونده

اصل نیاز نبود چشم‌تان دنی و نیمه فوتبال هم می‌توانست دیگر تنور لالیگا در فاصله رئالی را ستایش می‌کردند که داد، تصمیمات مشکوک که کلی اتفاق هیجان‌انگیز دیگر بتواند ترمز این غول را بکشد.

EL CLASICO

شاهنامه

گروه «باران رؤیا»
باشخصیت‌های
شاهنامه
بازی می‌سازد



عتیقه‌ها را بگیر...!



را دارد. از طرفی هم ما خودمان جزء طرفداران تولید ایرانی هستیم و فکر می‌کنیم اگر کاری را بسازیم که برگرفته از فرهنگ ایرانی باشد، مردم هم از آن استقبال می‌کنند. چرا باید ایرانی‌ها فقط در سال گذشته بالای یک میلیارد تومان در کلش آو کلنز هزینه کنند؟ درحالی‌که این عدد می‌تواند در کشور خودمان صرف شود» گروه «باران رؤیا» چیزی نزدیک به سه سال است که کارش را آغاز کرده، برای همین هم گروه جوانی محسوب می‌شود که برای ادامه دادن باید مسیر زیادی را طی کند. به همین دلیل وقتی از عسگریان درباره برنامه‌ها و بازی‌های آینده‌شان سؤال می‌شود، این‌طور جوابمان را می‌دهد: «من فکر می‌کنم شاهنامه انقدر غنی است و انقدر جای کار دارد که حالا حالاها می‌شود از روی آن بازی‌های زیادی ساخت. به همین خاطر ما هنوز هم دلمان می‌خواهد تمرکزمان را روی شاهنامه بگذاریم. ما حتی در کنار کاراکترهای (شخصیت‌های) شاهنامه، در بازی عتیقه‌هایی داریم که شما آن‌ها را می‌گیرید و قدرتتان بیشتر می‌شود؛ عتیقه‌هایی که هر کدامش میراث مملکت خودمان است.»

با اینکه در سال‌های اخیر بازی‌سازهای ایرانی بازی‌های خوبی، آن هم با شخصیت‌های ایرانی راهی بازار کرده‌اند، اما در مقایسه با حجم بازی‌های خارجی که اتفاقاً استقبال از آن‌ها زیادتر هم هست، بازی‌های ایرانی خیلی کم هستند. به همین خاطر هم وقتی یک تیم بازی‌ساز با استفاده از شخصیت‌های ایرانی بازی تولید می‌کند، خبرش جذاب و داغ می‌شود. بالاخره برای گیمرهای ایرانی (گیمر به همان‌هایی که خوره بازی کامپیوتری هستند می‌گویند) جذاب است که با شخصیت‌های ایرانی بازی کامپیوتری انجام بدهند. گروه «باران رؤیا» جمعی از جوان‌های ایرانی بازی‌ساز هستند که تا حالا با ۵۰ شخصیت شاهنامه بازی موبایلی درست کرده‌اند و هدفشان هم سرگرمی و هم آشنایی مخاطبین‌شان با تاریخ و ادبیات فارسی است. آن‌ها تا به حال بازی‌های «ماشین جنگی» و «سلحشوران» و «به‌تازگی بازی «نجات قلعه» را روانه بازار کرده‌اند. مسعود عسگریان، مدیر شرکت بازی‌سازی «باران رؤیا» است. او می‌گوید: «فضای بومی ایران برای بازی ساختن انقدر دست نخورده است که حتی اگر کیفیت کارها به پای رقیب خارجی نرسد، باز هم طرفدارهای خودش

مهر
سفر با تاکسی هوایی
یک تاکسی هوایی با قابلیت پرواز به دو حالت عمودی و افقی، اولین آزمایش‌های خود را در آلمان انجام داده است. این وسیله نقلیه تمام الکتریکی است و سفر با آن ۵ برابر سریع‌تر از خودرو است. این تاکسی هوایی را می‌شود با تلفن هوشمند سفارش داد.

ایسنا
نه به تبلیغات کاغذی
حتماً یادتان می‌آید که زمانی در دوران تبلیغات نامزدهای انتخابات، در و دیوار شهر پر از پوسته‌های کاغذی می‌شد. حالا آقای شبیری، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان کاغذ و مقوا می‌گوید که در انتخابات ۱۳۹۲ نسبت به تبلیغات سال ۱۳۸۸، مصرف کاغذ ۷۰ درصد کمتر شده است. فضای مجازی در کم شدن تعداد پوسته‌های کاغذی خیلی مؤثر بوده است.

ایسنا
کمک کرم پیله‌ساز به محیط زیست
کارشناسان محیط‌زیستی می‌گویند یک کرم پیله‌ساز که کیسه‌های پلاستیکی را می‌جود، می‌تواند مشکل آلودگی زمین به وسیله زباله‌های پلاستیکی را حل کند! محققان در دانشگاه کمبریج کشف کردند که «لارو بید» می‌تواند پلاستیک را تجزیه کند. آزمایشات آن‌ها نشان می‌دهد که حشرات می‌توانند پیوندهای شیمیایی پلاستیک را به شیوه‌ای شبیه هضم کردن بشکنند.

عصر ایران
داعش رفت، عروسک‌ها آمدند
با اخراج داعش از شهر موصل عراق، خرید و فروش عروسک‌های اسباب‌بازی به این شهر بازگشته و رونق گرفته است. سرکرده‌های داعش گفته بودند که داشتن هرگونه عروسک و مجسمه، حتی عروسک‌هایی به شکل حیوانات مانند خرس و میمون برای کودکان موصل ممنوع است!

باشگاه خبرنگاران جوان
شیوع بیماری اردیبهشتی
بیماری آبله مرغان را که حتماً می‌شناسید؟ این بیماری بیشتر در اواخر زمستان و فصل بهار در مناطق معتدل بروز می‌کند. رواج این بیماری در اردیبهشت و خرداد بیش از سایر ماه‌هاست و کودکان بیشترین گروه سنی هستند که ممکن است این بیماری را بگیرند. خارش، تب و درد از علائم مبتلا شدن به آبله مرغان است.

این خداحافظی با دیگر خداحافظی‌ها فرق دارد؛ خداحافظی یک بازیکن فوتبال، تنها کنار گذاشتن توپ و زمین سبز فوتبال نیست، خداحافظی برای بازیکنان سطح اول فوتبال یعنی خداحافظی با تیر اول روزنامه‌ها، خداحافظی با تشویق بی‌امان هزاران تماشاچی در استادیوم، خداحافظی با لوز در برین طرفداران و رسانه‌های پر شمار ورزشی. خداحافظی در فوتبال یعنی پیوستن به جرگه پیشکسوتانی که تاریخ نشان داده هیچ تعهد و توجهی نسبت به آن‌ها وجود ندارد.

آرش برهانی آقای گل، گل‌نزن



مختصر و مفید: آرش برهانی متولد ۲۳ شهریور ۱۳۶۲ در کرمان، بازیکن فوتبال است. ابتدا در تیم میلاد کرمان دروازه‌بان بود، اما بعد از مدتی با توجه به توانایی‌هایش در گل زدن به خط حمله آمد، شروع فوتبال‌اش در پست جدید را در تیم جوانان شهرداری کرمان و بانک تجارت در سال ۱۳۷۸ شروع کرد و تا سال ۱۳۸۰ بازیکن این تیم بود، سپس یک‌سال در تیم جوانان پاس تهران بازی کرد و سپس به بزرگسالان پاس تهران پیوست و تا سال ۱۳۸۵ بازیکن این تیم بود. درخشش در این تیم او را لژیونر کرد تا فصل ۸۶-۸۵ را در تیم النصر امارات بازی کند. او بعد از مدت کوتاهی به پاس برگشت و از آنجا به استقلال تهران آمد. از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ برای استقلال بازی کرد و به‌عنوان برترین گلزن تاریخ باشگاه استقلال تهران نام خود را جاودانه کرد.



بازی فوتبال ایران از مستطیل سبز خداحافظی کردند

همین حالا...

خداحافظی‌ها فرق دارد؛ خداحافظی یک بازیکن فوتبال، تنها کنار گذاشتن توپ و زمین سبز فوتبال نیست، سال یعنی خداحافظی با تیر اول روزنامه‌ها، خداحافظی با تشویق بی‌امان هزاران تماشاچی در استادیوم، رسانه‌های پر شمار ورزشی. خداحافظی در فوتبال یعنی پیوستن به جرگه پیشکسوتانی که تاریخ نسبت به آن‌ها وجود ندارد. حالا شما اگر خوش شانس باشید، می‌توانید چندسالی به‌عنوان لژیونری شرکت کنید و احتمالاً مربی تیم پایه‌های یک تیم لیگ برتری شوید. «آرش ایاتی» و «هادی عقیلی» با خداحافظی‌هایشان به‌صورت کاملاً خودجوش در یکی دو سته، ما را مجبور کردند که ورزشی این هفته «هشت» را بپوشیم و این سه بازیکن شناخته‌شده فوتبال کشورمان به نگارش در بیاوریم.

مرور خاطرات،

آرش برهانی تا دل‌تانه بخواهد برای هواداران استقلال، صحنه‌های به‌یادماندنی تلخ و شیرین به‌وجود آورده است. از شادی به‌یادماندنی‌اش گرفته که دست‌هایش را مثل عینک روی چشمانش قرار می‌داد، تا موقعیت‌هایی که هر کسی آن را تبدیل به گل می‌کرد، ولی آرش آقای گل استقلال، تخصص خاصی در گل زدن نداشت. تکه کلام چه گل‌نرزه این بازیکن که عادل فردوسی‌پور وارد فرهنگ گزارشگری ما کرد. از همین گل‌نرزه‌های آرش‌خان به‌وجود آمد. البته این را هم بگوییم که او کلی افتخار و رکورد هم دارد، مثلاً آرش برهانی در لیگ برتر ایران سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷ در بازی مقابل پیکان در کمتر از ۹ دقیقه ۳ گل به باشگاه پیکان زد و به‌عنوان سریع‌ترین هت‌تریک‌کننده‌های ایرانی به‌شمار می‌رود. او همچنین توانسته در کل ادوار لیگ ایران با زدن ۱۱۶ گل، عنوان دومی آقای گلی لیگ برتر ایران را کسب کند، جایی که «رضا عنایتی» با ۱۴۲ گل، بهترین گلزن تاریخ لیگ برتر ایران است.

خداحافظ همین حالا،

بعد از قرار گرفتن در فهرست مازاد تیم استقلال، تصمیم گرفت که فوتبالش را زیر نظر مجید جلالی، مربی دوران جوانی‌اش ادامه دهد. ولی خوب برهانی در پیکان هم کم‌فروغ ظاهر شد، آنقدر که به‌جز چند هفته ابتدایی لیگ، بقیه مسابقات را از روی سکو یا نیمکت به تماشای بازی نشست، تا جایی که دیگر حوصله‌اش سر آمد تا در بیانیه‌ای به‌صورت کلی از فوتبال خداحافظی کند و بگوید که من را با پیراهن استقلال به خاک بسپارید.

هادی عقیلی وداع با دیوار بطنی



مختصر و مفید: هادی عقیلی متولد ۲۵ دی ۱۳۵۹ در تهران است. او فوتبال خود را از تیم جوانان راه‌آهن آغاز کرد و بعد از سه‌سال حضور در تیم سایپای کرج به سپاهان پیوست. هادی عقیلی با تیم سپاهان اصفهان، حضور در فینال‌های مختلف مانند سه جام قهرمانی لیگ برتر ایران و نایب قهرمانی جام باشگاه‌های آسیا را تجربه کرده است. عقیلی از سال ۲۰۰۶ نیز به تیم ملی فوتبال ایران دعوت شد و توانست با عملکرد خوب خود جایگاه ثابت و مستحکم را در قلب دفاعی ترکیب ایران به‌دست آورد. کنفدراسیون فوتبال آسیا اولین فهرست نامزدهای بهترین بازیکن سال ۲۰۰۹ را اعلام کرد که هادی عقیلی نیز یکی از نامزدهای دریافت جایزه بازیکن سال آسیا بود. عقیلی برای ادامه فوتبال خود در فصل ۲۰۱۲ به لیگ ستارگان قطر رفت و با باشگاه العربی قطر قرار داد بست. او ۲۰ بازی در لیگ و پنج بازی هم در لیگ قهرمانان آسیا برای این تیم انجام داد و حتی بازنویس کاپیتانی العربی را هم به بازوی خود می‌بست. وی فصل بعد به دیگر تیم لیگ ستارگان یعنی القطر پیوست. او دو سال بعد نیز به تیم سابق خود یعنی سپاهان بازگشت و بار دیگر به‌همراه این تیم به مقام قهرمانی لیگ برتر ایران رسید.

مرور خاطرات،

دیوار بطنی ۱۸۵ سانتیمتری سپاهانی‌ها تا سال‌ها خیال هواداران این تیم را از قلب دفاع راحت کرده بود. زوج عقیلی با پنکر و سیدجلال حسینی در سپاهان آنقدر هیجان‌انگیز بود که تقریباً هر سال، سرخابی‌های پایتخت را مجاب می‌کرد که در نقل و انتقالات تابستانی به‌سراغ آن‌ها بروند. عقیلی تا قبل از درگیری با کی‌روش در اردوی تیم ملی و ترک اردو بدون اجازه مرد پر تفریحی، یکی از مهره‌های اصلی تیم ملی در دفاع به حساب می‌آمد. ولی خوب بدموقعی هادی خان تصمیم به جنگ‌جفت گرفت تا قربانی مبارزه با بازیکن سالاری آقای مربی شود. همچنین عقیلی در فصل ۲۰۱۱ و به‌عنوان بازیکن العربی قطر، نامزد کسب عنوان بهترین بازیکن آسیا هم شد که «سرور جباروف» بازیکن تیم ملی ازبکستان که آن‌موقع در الشباب عربستان بازی می‌کرد، با کسب ۱۰۰ امتیاز بهترین بازیکن آسیا شد و عقیلی با ۹۵ امتیاز در جایگاه دوم قرار گرفت و «کیسوه هوندا» بازیکن ژاپنی که در آن فصل در «زسکا مسکو» روسیه بازی می‌کرد، با ۸۷ امتیاز سوم شد.

خداحافظ همین حالا،

دوباره حاشیه و درگیری به‌سراغ هادی عقیلی آمد تا بی‌خیال سپاهان شود و این فصل لیگ را بدون تیم آغاز کند. او تا همین هفته گذشته هم کلی پیشنهاد از استقلال خوزستان و چند تیم لیگ برتری دیگر داشت، ولی خوب وقتی متوجه شد که با رفتن ویسی از سپاهان هم جایی در این تیم ندارد، ترجیح داد بی‌خیال ادامه فوتبالش شود و به فکر کسب درجات مربی‌گری فوتبال باشد.

رضا عنایتی

مرد خستگی‌ناپذیر

مختصر و مفید: غلامرضا عنایتی، متولد اول مهر ۱۳۵۵ در مشهد است. بگذارید داستان فوتبالیست شدنش را از زبان خودش تعریف کنیم تا متوجه شوید که چقدر این اتفاق عجیب بوده است، «من یک کارگر ساده بودم که در کارخانه با گاری فروش‌ها را از جایی به جای دیگر می‌برد. من در دوران نوجوانی در بازار رضا (مشهد) دستفروشی می‌کردم. من درس می‌خواندم و در تابستان کار می‌کردم. در همین شرکت فرش مشهد که در آن کار می‌کردم، در مشهد بازی‌های کارگری انجام می‌شد و دوستانم می‌دانستند که فوتبال من خوب است، به همین دلیل اسم من را رد کردند. در آن بازی‌ها مربیان استان مرا دیدند و من برای اولین‌بار در دسته یک مشهد قرارداد ۵۰هزار تومانی امضا کردم. من به آدنیس رفتم و از آنجا پیراهن ابومسلم را بر تن کردم که البته همه این‌ها اتفاقی بود. واقعا اتفاقی فوتبالیست شدم.» او به همین راحتی به فوتبال سطح اول ایران آمد تا در ۲۴ سالگی اولین بازی‌اش را در لیگ انجام دهد. ۲۴ سالگی خیلی دیر است؟ ما هم قبول داریم! او بعد از ابومسلم به استقلال پیوست تا آنجا بتواند بدرخشد. عنایتی ۳ بار آقای گل بازی‌های لیگ ایران شده است. او در فصل ۱۳۸۱-۱۳۸۰ در تیم ابومسلم خراسان و در فصل ۱۳۸۴-۱۳۸۳ و ۱۳۸۵-۱۳۸۴ در دو فصل پایانی و در تیم فوتبال استقلال تهران با ۲۰ و ۲۱ گل زده به‌عنوان آقای گل رقابت‌های لیگ برتر انتخاب شد. سپاهان، صبا، قم، سپاهان، النصر امارات و چند تیم دیگر از دیگر باشگاه‌های او در طول حضور بیش از ۱۵ ساله‌اش در سطح اول فوتبال بود.

مرور خاطرات،

زوج رضا عنایتی و سیاوش اکبرپور را خیلی از طرفداران استقلال فراموش نخواهند کرد؛ دو بازیکنی که در توک خط حمله به‌شکل دقیقی مکمل هم بودند و حسابی برای همدیگر موقعیت‌سازی می‌کردند. یکی دیگر از تصاویر به‌یادماندنی فوتبال عنایتی هم برمی‌گردد به سال ۱۳۸۰ که عنایتی در هفته آخر اولین دوره لیگ برتر با لباس ابومسلم خراسان در برابر استقلال رشت ۷ گل به ثمر رساند که از لحاظ گلزنی در یک بازی لیگ، یک رکورد محسوب می‌شود.

خداحافظ همین حالا،

رضا عنایتی بعد از آن‌که سال‌های آخر فوتبالش را به پدیده و سپاه‌جگان آمد تا برای بقا و امتیازگیری به باشگاه‌های شهرش کمک کند. بارها و بارها مصاحبه کرد که دلش می‌خواهد که با لباس استقلال از فوتبال خداحافظی کند، ولی خوب مربیان و مدیرت فصل قبل استقلال راضی به حضور عنایتی در استقلال نشدند تا او به صبا، قم بپیوندد. بالاخره عنایتی در ۴۱ سالگی، هفته گذشته در مسابقه صبا، قم و استقلال به‌طور رسمی از فوتبال خداحافظی کرد.

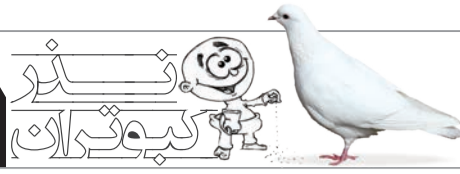


PERSPOLIS

ال کلاسیکو جنون آمیز

نیمچه‌پرونده

سال گاز استریل سفید در دهان یک بازیکن باشد تا متوجه شوید که کدام بازیکن قرار است یکشنبه‌شب در برابر توپ را در کنترل بگیرد و کمی با آن یا به توپ شود. حالا دیگر هر طرفدار نصفه مسی را تشخیص دهد. بگذارید بگوییم که مسی در ال کلاسیکو این هفته کمتر از نصف بازیکنان داخل زمین دوید و اصلاً قرار نبود خودش را به آب و آتش بزند. دو ضربه نرم بغل از مسی، کار را به‌جایی رساند که بار ۵ هفته مانده به پایانش داغ شود. البته آن طرف میدان، رونالدو هم بیکار نبود، شاید اگر دقیقه دو مسابقه که «اومیتی» ضرب‌های را به‌مح بازیکن زد و داور ندید، به یک پنالتی تبدیل می‌شد، حالا همه از او حرف می‌زدند و به پارس‌لونا را در ال کلاسیکو در هم کوبیده است. به هر حال فرقی نمی‌کند که طرفدار چه تیمی بودید، مهم این بود که ال کلاسیکو امسال همه چیز داشت. استخراج بحث‌برانگیز راموس که روند بازی را تحت تأثیر قرار داد و دوم که کلا پای بازیکنان را یک‌قدم عقب و جلو می‌دید، گل دقیقه آخر مسی که سرنوشت لیگ را تغییر داد، موقعیت‌های از دست رفته رونالدو، مسی و دیگران، عکس‌العمل‌های تماشاچی دو دروازه‌بان و گر که مسابقه یکشنبه‌شب را به‌معنای واقعی کلمه جنون آمیز کرد. حالا «انریکه» مربی پارس‌لونا باید چشم به بازی‌های رئال مادرید بدوزد تا یکی از تیمی که در ادامه قرار است با آن‌ها روبرو شود، بریکه در آخرین سال حضورش در پارس‌لونا چشم به کسب لالیگا دوخته است.



سخن به مدح تو باید فصیح و کامل گفت
هم از شکوه مقامت، هم از فضائلت گفت
شبهه صائب صاحب سخن قصیده نوشت
غزل غزل سر تو را جو بیدل گفت

نه چند مثنوی و قطعه و غزل، باید
که شرح قصه حسن تو در رسائلت گفت
عبا، نه... اینکه گدای شما شدم کافیت
حدیث حسن تو کی می توان جو دبل گفت

دانش

پل «آل کامینیتو دل ری» در اسپانیا بعد از ۱۴ سال پس از ترمیم به روی گردشگران باز شد. پلی که راه رفتن روی آن طعم ترس دارد.



دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرندهای شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم. پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

هدهد هشتاپه‌ها

هر آدمی نیاز به دوستی دارد که توان دیدن رگه‌های نور را داشته باشد

آدم‌های اردیبهشتی



سومین بار که دیدمش توی کارگاه بحث آزاد نشست بود و متفکرانه داشت به حرف‌های مریبی فرهنگی گوش می‌داد. کوله‌ام را گذاشتم روی صندلی و کتاب‌های امانتی‌ام را در آوردم. موضوع بحثشان تعادل بود. مریبی پرسید: تعادل چه چیزهایی در زندگی ممکن است بهم بخورد. یک‌لحظه یاد راه رفتن روی جدول‌های توی خیابان افتادم. یاد بندبازی در روزهای نوجوانی و حفظ تعادل در هر شرایطی. دوست داشتم توی بحثشان شرکت کنم و نظرم را بگویم، اما هنوز برای شرکت توی کارگاه خجالت می‌کشیدم. داشتم کتاب‌ها را به خانم کتابدار می‌دادم که دیدم دستش را بالا آورده و می‌خواهد حرف‌هایی درباره راه‌های حفظ تعادل در روزهای نوجوانی بگوید. گوش تیز کردم تا خوب بشنوم. خیلی چیزها کمک می‌کند به آدم که تعادلش را در هر شرایطی حفظ کند، مثل یک شعر خوب، یک منظره زیبا، یک آهنگ تشنگ... بقیه حرف‌هایش را نشنیدم، فقط در راه برگشت روی لبه جدول به چیزهایی فکر کردم که می‌تواند روزهای زندگی آدم را به تعادل نزدیک کند.



اولین بار که دیدمش داشت با دوربین عکاسی‌اش از گل شمعدانی پشت پنجره عکس می‌گرفت. خطی از آفتاب افتاده بود روی چندتا از قدبلندترین برگ‌های شمعدانی. عکس را که گرفت، فوری دوربینش را نگاه کرد. لبخند زد و بی‌آنکه من را بشناسد، نشانم داد. بعد گفت: ببین این رگه نور چه قدر تشنگ است.



دومین بار که دیدمش، پشت یکی از میزهای کتابخانه نشست بود و داشت کتاب می‌خواند. رفتم طرف قفسه شعرها، گزیده شعرهای سهراب را برداشتم و نشستم رویه‌رویش. نمی‌دانم مشغول خواندن چه کتابی بود، اما همین که نشستم، بی‌مقدمه گفت: آدم تویی اردیبهشتی هی هوس می‌کنی شعر بخوانی. بعد کتابش را نشانم داد: «گزیده غزلیات سعدی». لبخند زدم و سهراب را باز کردم... خانه دوست کجاست؟



چهارمین بار که دیدمش، باز دوربین به‌دست داشت دور کتابخانه می‌چرخید. تا آن روز خودم را توی کانون تازه‌وارد حساب می‌کردم. فقط می‌آمدم کتاب می‌خواندم، کتاب امانت می‌گرفتم و امانتی‌ها را پس می‌دادم. هنوز توی هیچ کدام از کلاس‌های کانون شرکت نکرده بودم. داشتم توی کوله‌پشتی‌ام دنبال کارت عضویت می‌گشتم که شنیدم بلند به یکی از بچه‌های دوربین به‌دست گفت: برای عکاسی باید بلد باشی خوب ببینی... بعد آمد سمت من و با لبخند سلام کرد. این اولین سلام بین ما بود. خندیدم و سلامش را جواب دادم. گفت: اجازه می‌دهی از دست‌هایت عکس بگیرم؟ به دست‌هایم نگاه کردم... به‌نظرم سوزنه منحصر به‌فردی نبود، اما گفتم حتماً بعد دست‌هایم را به‌طرف دوربینش گرفتم و او دور تادور دست‌هایم چرخید و چیلیک چیلیک عکس گرفت. بعد دستش را به‌طرفم دراز کرد، دست داد و تشکر کرد و گفت: نمی‌خواهی تو هم از دست‌هایم عکس بگیری؟ گفتم: دوتا مشکل این وسط هست... اول اینکه دوربین عکاسی ندارم و بعد هم اینکه من عضو کلاس عکاسی نیستم. خندید و گفت: امروز با دوربین من شریکی عکس می‌گیریم. برای عضویت توی کارگاه عکاسی هم نگران نباش، بعد از عید، کارگاه خلوت می‌شه و می‌تونی با معرفی من عضو بشی. آن روز از همه دست‌های آدم‌های کانون عکس گرفتم. دوربین را نوبتی به گردن می‌انداختیم و حالت‌های مختلف دست‌ها را عکاسی می‌کردیم. جوانه یک دوستی تازه در یک‌ظهر بهاری زیر پوست لحظه‌های نوجوانی‌ام قد می‌کشید...

اردیبهشتی

حالا دیگر خیلی با هم دوست شده‌ایم. نمی‌دانم چندمین بار است که دیدمش، اما انگار هزارسال است که می‌شناسمش. از هشت‌سالگی عضو کانون بوده و تقریباً خیلی از کتاب‌های کانون را خوانده. همه مریبی‌ها او را می‌شناسند و او هم همه را می‌شناسد. کنارش که می‌نشینم حس خوبی از اعتماد به نفس توی دلم قوت می‌گیرد. خیلی خوب است که آدم دوستی در زندگی داشته باشد که با او بتواند از هر دری حرف بزند، دوستی که بدانند در اردیبهشت شعر می‌جسبند و رگه‌های نور و آفتاب افتاده رو گل‌های شمعدانی را ببینند، دوستی که زیبایی دست‌ها را عکاسی کند. کتاب‌های زیادی خوانده باشد و سخاوتمندانه با تو، دوربین و کتاب‌ها و زاویه دیدش را شریک شود... خیلی خوب است که در روزهای تند و سریع نوجوانی‌ام، کانون این شناس را به من داد که در محیط آرام و آزادش چنین دوستی را بیابم... حس می‌کنم حالا نشانی خانه دوست را می‌دانم و اگر دوباره بحث آزادی یا موضوع تعادل در هر کجا بر گزار شود، با جسارت دستم را بلند می‌کنم و می‌گویم: برای حفظ تعادل در زندگی، هر آدمی نیاز به دوست یا دوستانی دارد که توان دیدن رگه‌های نور را داشته باشند.

هائیه سلامی‌راد، مریبی ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد

قوانین نایاب:

۱. یک اقیانوس مربعی داریم که یک «کشتی بزرگ قرمز»، دو «کشتی متوسط نارنجی» و سه «کشتی کوچک سبز» در آن مخفی شده‌اند. می‌خواهیم مخفی‌گاه این شش کشتی را پیدا کنیم.
۲. رقم‌های بیرونی اقیانوس، می‌گویند چند خانه از آن سطر یا ستون، با کشتی پُر شده است.
۳. هیچ کدام از کشتی‌ها، کج (مورب) مخفی نشده‌اند.
۴. کشتی‌ها باهم همسایه نیستند! حتی گوشه آن‌ها هم نزدیک یکدیگر نیست.



مسابقه نایاب

طراح: محمد مهدی رنجبر

پنجشنبه‌ها

پیشنهاد می‌شود که

- به خانه‌های «راهنما» دقت کنید تا بتوانید به کمک آن‌ها وضعیت خانه‌های اطرافشان را مشخص کنید. معمولاً در هر نایاب، وضعیت بعضی از خانه‌ها از همان اول برای تان مشخص شده است که به آن‌ها «راهنما» می‌گویند.
- به شکل و رنگ پُرشدگی خانه‌های راهنما دقت کنید چون در صحیح بودن جواب تان تأثیر دارد.
- نایاب یک معمای منطقی است، پس هیچ وقت وضعیت خانه‌ها را حدس نزنید! هیچ علامتی را هم بدون دلیل روی کاغذتان نگذارید! فقط «منطقی» فکر کنید تا وضعیت قطعی بعضی خانه‌ها را پیدا کنید. بعد به همان خانه‌هایی که وضع‌شان را معلوم کردید، دقت کنید تا با کمک آن‌ها کم و وضعی خانه‌های دیگر را هم مشخص کنید.
- خانه‌هایی را که مطمئن هستید هیچ کشتی‌ای در آن‌ها نیست، با ضربدر یا علامت آب (☹) مشخص کنید.
- خانه‌هایی را که مطمئن هستید باید پُر باشند ولی شکل دقیق پُرشدگی‌شان هنوز برای تان مشخص نیست، فعلاً با یک خال سیاه، مشخص کنید.
- برای حل معمای نایاب، از مداد نرم و پاک‌کن مرغوب استفاده کنید.
- «اطلاعات بیشتر» و «نمونه‌های تمرینی نایاب» را در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی جستجو کنید.
- برای اینکه قوانین نایاب را بهتر درک کنید، به «نمونه حل شده» دقت کنید و دلیل هر عملیات را با خودتان مرور کنید.

مسابقه شماره ۵ بسیار ساده

از هر پاسخ صحیح که واضح و خوانا باشد عکس بگیرید و در تلگرام به شماره ۰۹۳۶۶۰۳۷۶۱ ارسال کنید.

نام برندگان و عکس پاسخ‌شان را در کانال تلگرام @HASHTAKU ببینید

برای دریافت جایزه با برندگان تماس گرفته خواهد شد.

مسابقه شماره ۶ ساده

دیدی؟ حل کردن معمای «نایاب» به همین راحتی است. فقط باید منطقی باشید و برای هر حرکتی دلیل داشته باشید. خیلی از کودکان و نوجوانان سراسر جهان، در حل کردن این سرگرمی و دیگر سرگرمی‌های «منطقی»، مهارت دارند.

حالا مشخص است که کشتی متوسط نارنجی دیگرمان هم (که ۲ خانه جا لازم دارد) فقط می‌تواند در سطر اول قایم شده باشد. آن را می‌کشیم و زیر جدول خطش می‌زنیم.

اما رقم ۳ کنار سطر اول می‌گوید: این سطر باید ۳ خانه کشتی‌های کوچک سبزمان هم پیدا شد. خطش می‌زنیم.

ستون سمت چپ هم دو خانه خالی دارد و زیرش رقم ۲ نوشته شده. پس جای دو کشتی کوچک سبز دیگر را هم پیدا کردیم. آنها را هم از زیر جدول خط می‌زنیم.

فقط ۲ خانه پُر باید در این ستونی که با فلش نشان دادیم باشد. پس حالا که هر دو خانه‌اش پیدا شده، باید بقیه خانه‌ها را ضربدر بزنیم.

کنار سطر آخر رقم ۱ می‌بینیم. یعنی این سطر فقط یک خانه پُر دارد که قبلاً پیدا شده. پس باید بقیه خانه‌های این سطر را ضربدر زد.

«کشتی قرمز بزرگ» سه خانه خالی لازم دارد. پس فقط می‌تواند در ستون سمت راست که زیرش رقم ۴ نوشته شده قایم شده باشد. پس آن را در جدول می‌کشیم و زیر جدول خطش می‌زنیم.

کنار سطر چهارم رقم ۱ آمده یعنی فقط یک خانه در این سطر باید پُر باشد. پس حالا که همان یک خانه هم قبلاً پُر شده، بقیه خانه‌های این سطر ضربدر می‌خورند.

قانون نایاب گفته: «هیچ کشتی‌ای نباید همسایه داشته باشد» پس خانه‌های اطراف این کشتی نارنجی را ضربدر می‌زنیم.